

چگونه هنگام عصبانیت دعا کنیم

مزمور 137

کشتیش کریس سیکس

خطبه 14 مه 2023

این هفته ما به مزمور 137 برای سری موعظه خود نگاه می کنیم:

"چگونه مزامیر به ما می آموزد که دعا کنیم."

مزمور 137 آیاتی دارد که خواندن آنها دردناک و درک آنها سخت است. اما وظیفه من به عنوان کشتیش شما این است که کل کتاب مقدس را آموزش دهم - از جمله قسمت های دشوار. در این مزمور سه گروه از افراد ذکر شده است. نویسندگان از اورشلیم هستند که گاهی به آن صهیون می گویند. اما وقتی این دعا را نوشتند، مؤلفان در بابل اسیر بودند. در ژوئیه 587 قبل از میلاد، بابل اورشلیم را به طور کامل ویران کرد و معبد خدا را ویران کرد. صدقیا پادشاه بابل را دید که پسرانش را کشتند. سپس چشمان پادشاه را بریدند و او را با اکثر قوم یهود به بابل بردند. برخی از آنها مزمور 137 را نوشتند. گروه دیگری که نام برده شد ادومیان هستند - از فرزندان عیسو، نوه ابراهیم. ابراهیم پدر اسحاق بود و اسحاق پسران دوقلویی به نام های عیسو و یعقوب داشت. حتی زمانی که عیسو و یعقوب در رحم بودند، با یکدیگر مبارزه کردند. خداوند به مادرشان ریکا گفت که پسرانش دو ملت خواهند شد. خداوند نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد. سپس برای صدها سال، قوم اسرائیل و ادوم، مانند پدرانشان در دوران کودکی، مبارزه و جنگیدند. در مزمور امروز خواهید دید که ادومیان زمانی که بابل برای ویران کردن اورشلیم آمد، کار وحشتناکی انجام دادند. و در بیت آخر فریاد هولناک خشم نویسندگان را خواهید شنید. امیدوارم با مطالعه این قسمت با هم یاد بگیریم با عصبانیت خودمان چه کنیم. اکنون کلام خداوند را از مزمور 137 بشنوید.

1 در کنار رودخانه های بابل نشسته بودیم و وقتی صهیون را به یاد آوردیم، گریستیم.

۲ در آنجا بر صنوبرها چنگ خود را آویزان کردیم،

3 زیرا در آنجا اسیرکنندگان ما از ما آهنگ خواستند،

شکنجه گران ما آهنگ های شادی را طلب کردند.

گفتند: یکی از سرودهای صهیون را برای ما بخوان!

4 چگونه می توانیم سرودهای خداوند را بخوانیم

در حالی که در یک سرزمین خارجی؟

۵ اگر تو را فراموش کنم، اورشلیم،

باشد که دست راست من مهارت خود را فراموش کند.

6 زبانم به سقف دهانم بچسبد

اگر تو را به یاد نیاورم

اگر اورشلیم را بالاترین شادی خود نمی دانم.

۷ ای خداوند، آنچه ادومیان کردند به خاطر بیاور

در روز سقوط اورشلیم

آنها فریاد می زدند: «آن را خراب کنید.

”آن را تا پایه هایش خراب کنید!“

8 دختر بابل، محکوم به نابودی،

خوشا به حال کسی که جبران کند

با توجه به کاری که با ما کردی

9 خوشا به حال کسی که شیرخواران تو را بگیرد

و آنها را به صخره ها می کوبد.

با هم اشعیا باب ۴۰ آیه ۸ را می خوانیم:

چمن ها پژمرده می شوند ، گل ها محو می شوند ، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.

لطفاً با من دعا کنید

پدر بهشتی، چیزهایی در کلام شما وجود دارد که درک آنها سخت است.

اما عیسی، تو کلام زنده هستی، پس به ما کمک کن که چشمانمان را روی تو متمرکز کنیم.

و روح القدس، ما به شما وابسته ایم که قلب و ذهن ما را به روی کلام باز کنید.

اکنون به ما کمک کن تا بفهمیم و باور کنیم.

ما به نام نجات دهنده ما عیسی دعا می کنیم، آمین.

من به ترتیب آیات مزمور 137 را مرور می کنم تا چند دقیقه دیگر به آخرین جملات دردناک برسیم.

بیا بید ابتدا به آیات 1-3 نگاه کنیم:

1 «در کنار رودخانه های بابل نشسته ایم و وقتی صهیون را به یاد آوردیم، گریستیم.

۲ در آنجا بر صنوبرها چنگ خود را آویزان کردیم،

3 زیرا در آنجا اسیرکنندگان ما از ما آهنگ خواستند،

شکنجه گران ما آهنگ های شادی را طلب کردند.

گفتند: «یکی از سرودهای صهیون را برای ما بخوان!»

نویسندگان زندگی خود را پس از اسیر شدن توسط ارتش بابل توصیف می کنند.

وقتی به یاد می آورند که ارتش بابلی را در حال نابودی اورشلیم می بینند، گریه می کنند.

اما حالا همان بابلی ها درخواست سرگرمی کردند.

آنها از مردم درهم شکسته و آسیب دیده ”طلب سرودهای شادی“ داشتند.

اسرائیلی ها نتوانستند این کار را انجام دهند.

آنها نمی توانستند با شادی هیچ آهنگی را که آنها را به یاد خانه می آورد، بخوانند.

پس چنگ خود را بر درختان آویختند.

سپس، آیات 4-6 بیانگر اندوه عمیق در مورد شرایط کنونی آنها، و همچنین وفاداری به خدا است:

4 «چگونه می‌توانیم سرودهای خداوند را بخوانیم

در حالی که در یک سرزمین خارجی؟

۵ اگر تو را فراموش کنم، اورشلیم،

باشد که دست راست من مهارت خود را فراموش کند.

6 زبانم به سقف دهانم بچسبد

اگر تو را به یاد نیاورم

اگر اورشلیم را بالاترین شادی خود نمی‌دانم.»

آیا می‌توانید غم و اندوه و آسیب را در قلب آنها احساس کنید؟

آنها آنقدر دلتنگ خانه هستند که نمی‌توانند یک نت واضح بخوانند.

بسیاری از شما از کشور خود دور هستید.

بسیاری از شما مادران و پدران و خواهران و برادران را پشت سر گذاشتید.

برخی از شما به دلیل آزار و اذیتی که در آنجا تجربه کرده‌اید، هرگز به کشور خود باز نخواهید گشت.

وقتی داستان‌های فداکاری و از دست دادن شما را می‌شنوم، به من کمک می‌کند آیاتی از این دست را بفهمم.

داستان‌های شما به من کمک می‌کند تا غم و اندوه عمیقی را که این نویسندگان ۲۵۰۰ سال پیش داشتند، احساس کنم.

احساس عمیق دیگری که در اینجا بیان می‌شود وفاداری است.

خواندن سرودهایی از معبد خدا در حالی که در شهر بابل هستید، بی‌وفایی خواهد بود.

این کمی کنایه آمیز است، زیرا قوم خدا اغلب بی‌وفا بودند.

دلیل اینکه خدا بابلی‌ها را برای ویران کردن اورشلیم فرستاد این بود که قومش عهد خود را زیر پا گذاشتند.

آنها بی‌وفا بودند، با این حال خدا آنها را با عشق مجازات کرد تا بتواند آنها را نجات دهد.

عذاب خدا تعهد آنها را به وفاداری و پرستش تنها خدا را تجدید کرد.

در اسارت به یاد آوردند که تنها خدا منبع واقعی امنیت و شادی آنهاست.

حال بیابید آیه 7 را با هم ببینیم:

۷ «ای خداوند، آنچه ادومیان کردند به خاطر بیاور

در روز سقوط اورشلیم

آنها فریاد می‌زدند: «آن را خراب کنید.

”آن را تا پایه‌هایش خراب کنید!“

هنگامی که بابل اورشلیم را ویران کرد، درد نویسندگان دو چندان شد، زیرا ادومیان به ویرانی تشویق می‌کردند.

آنها در مقابل پسرعموهای خود در اورشلیم طرف بابل را گرفتند.

ادومیان نه ترسی از خدا داشتند و نه به جد خود ابراهیم وفاداری داشتند.

حدود 500 سال پس از آن، یکی از نوادگان این ادومیان پادشاه اسرائیل شد.

شاید نام او را بشناسید: هیرودیس کبیر.

پادشاه هیرودیس مردی شرور بود که از خدا نمی‌ترسید.

وقتی هیرودیس خبر به دنیا آمدن عیسی مسیح را شنید، سعی کرد او را از بین ببرد.

هیرودیس برای حفظ قدرت، دستور قتل عام همه پسران دو سال یا کمتر در بیت لحم را صادر کرد.

من این را به عنوان یادآوری ذکر می‌کنم که نجات دهنده ما عیسی مسیح در زیر سایه شیطان بزرگ متولد شد.

پادشاه هیرودیس و سربازان رومی زندگی سیاسی اسرائیل را در طول زندگی عیسی کنترل می‌کردند.

و رهبران مذهبی تشنه قدرت زندگی مذهبی اسرائیل را کنترل می‌کردند.

عیسی انتخاب کرد که در آن دنیا متولد شود.

چرا؟

زیرا زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح پاسخ خدا به شر است.
من تا چند دقیقه دیگر در مورد آن بیشتر خواهم گفت.

ابتدا به دو آیه آخر مزمور امروز نگاه می کنیم.

8 «دختر بابل، محکوم به نابودی،

خوشا به حال کسی که جبران کند

با توجه به کاری که با ما کردی

9 خوشا به حال کسی که شیرخواران تو را بگیرد

و آنها را به صخره ها می گوید.»

البته هیچ توجیه اخلاقی برای این آیه پایانی وجود ندارد.

ما نباید سعی کنیم با این کلمات راحت شویم.

این یک احساس خام است، این یک پاسخ شیطانی به یک تجربه شیطانی است.

ادومیان بابلی ها را تشویق کردند تا اورشلیم را نابود کنند.

در پاسخ، نویسندگان می خواهند نابودی کامل بابل را ببینند.

خوشبختانه این تبعیدیان از اورشلیم شروع به کشتن کودکان در بابل نکردند.

آنها صادقانه از درد در قلب های عمیقاً آسیب دیده خود صحبت کردند.

دلشان برای انتقام فریاد می زد «به قدر ما که کردی.»

اما اگر بدی را با بدی مطابقت دهیم، قلب خود را با دشمن خود یکی می کنیم.

کلام خدا به ما نمی گوید که همه خشم گناه است، اما خشم می تواند به راحتی ما را به گناه بکشاند.

به افسسیان 26:4-27 گوش دهید.

26 «خشمگین باشید و گناه نکنید.

نگذار آفتاب بر خشم تو غروب کند،

27 و به شیطان فرصت ندهید.»

شیطان می خواهد ما را با دشمنانمان به گودال گناه بی رحمانه بکشاند.

دردی که در قلب ما وجود دارد، خواستار انتقام است، و شیطان این ندا را تکرار می کند.

این نویسندگان در عوض در دعا به خدا روی آوردند.

آنها تمام میل گناه آلود و زشت خشونت را که در قلبشان بود به درگاه خدا دعا کردند.

آنها می خواستند ببینند که بابلی ها به همان اندازه رنج می کشند.

اما نویسندگان به جای اینکه خودشان بدی کنند، دعا کردند و به خدا اعتماد کردند تا آنچه را که درست است انجام دهد.

اولین شهید کلیسای مسیحی استقمان نام داشت.

او را سنگسار کردند، زیرا حقیقت را در مورد رستاخیز عیسی گفت.

اما نگاه کنید که چگونه او در اعمال رسولان 7: 59-60 دعا می کند.

59 «هنگامی که او را سنگسار می کردند، استیفان دعا کرد.

”خداوند عیسی، روح مرا بپذیر.”

60 سپس به زانو افتاد و فریاد زد:

«پروردگارا، این گناه را بر آنها مگذار.»

وقتی این را گفت، خوابش برد.»

چگونه استغفار آن نوع رحمت و شفقت را نسبت به افرادی که او را می‌کشند آموخت؟

او آن را از ناجی خود آموخت.

این همان چیزی است که عیسی روی صلیب با میخ‌هایی در دستانش دعا کرد:

”ای پدر، آنها را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند” (لوقا 23:34).

در لحظه‌ای که عیسی این را گفت، به مردانی نگاه می‌کرد که او را به صلیب میخ‌کردند.

اما او هم به همه ما نگاه می‌کرد.

زیرا گناه من بود که او را بر آن صلیب نشانند و گناه تو.

دوستان من، عیسی درگذشت تا گناهکارانی مانند ما را ببخشد، کسانی که سرسختانه قوانین خدا را رد می‌کنند و سعی می‌کنند به روش خودمان زندگی کنند.

اما وقتی به گناه خود اعتراف می‌کنیم و ایمان می‌آوریم که مسیح به جای ما مرد، زندگی جدیدی دریافت می‌کنیم.

ما همچنین قدرت جدیدی دریافت می‌کنیم تا به روشی که ناجی ما انجام داد، به شرارت پاسخ دهیم.

این گونه بود که استغفار می‌توانست برای دشمنانش دعا کند، در حالی که سنگ‌ها بر سرش می‌باریدند.

پیام امروز پاسخی کوتاه به یک سوال بزرگ است:

«چگونه هنگام عصبانیت دعا کنیم.»

من پنج پیشنهاد برای شما دارم که از کلام خدا آمده است.

وقتی با قطعات دشواری مانند مزمور 137 روبرو می‌شویم، باید آنها را از طریق سایر بخش‌های کتاب مقدس تفسیر کنیم.

این یکی از مهمترین اصول درک کتاب مقدس است.

هنگامی که درک بخشی از کلام خدا دشوار است، سایر قسمت‌های کلام خدا آن را روشن می‌کند.

اولین پیشنهاد من برای نحوه دعا در هنگام عصبانیت:

1. گناه را به گناه برنگردان.

انتقام را به دست خود نگیرید.

به خاطر احساسات جریحه دار خود دیگران را زخمی نکنید.

پولس رسول پیوسته مورد حمله قرار می‌گرفت زیرا او حقیقت را در مورد عیسی مسیح موعظه می‌کرد.

او را در زندان به زنجیر زدند، کتک زدند و نزدیک بود سنگسار کنند.

اما به دستورات پولس برای ما در رومیان 12:17-21 گوش دهید.

17 «به کسی بدی در عوض بدی ندهید.

مواظب باشید کاری را که در نظر همه درست است انجام دهید.

18 اگر ممکن است، تا آنجا که به شما بستگی دارد، با همه در صلح زندگی کنید.

19 ای دوستان عزیز من انتقام نگیرید، بلکه جایی برای خشم خدا بگذارید.

زیرا نوشته شده است: «انتقام گرفتن از آن من است. خداوند می‌گوید من جبران خواهم کرد.

20 برعکس:

«اگر دشمن تو گرسنه است، به او غذا بده.

اگر تشنه است به او آب بده.

با این کار زغال‌های سوزان را روی سر او انباشته خواهید کرد.»

۲۱ بر شر چیره نشوید، بلکه با نیکی بر شر غلبه کنید.»

پیشنهاد دوم:

۲. احساسات خود را درون خود پر نکنید.

اگر خشم خود را در دل خود دفن کنید تبدیل به تلخی یا خشم می شود.
احساسات تاریک شما در زیر زمین رشد خواهند کرد - آنها ناپدید نخواهند شد.
به مزمور 32:3-4 گوش دهید.

3 «وقتی سکوت کردم، استخوانهایم از بین رفت

از ناله های من در تمام طول روز

4 زیرا روز و شب دست تو بر من سنگین بود.

قدرتم مثل گرمای تابستان تضعیف شد.»

وقتی دیوید احساسات خود را سرکوب کرد، ضعیف شد.

دفن احساساتش فقط حالش را بدتر می کرد.

بسیاری از ما فکر می کنیم بهتر است خشم خود را سرکوب کنیم.

ما دیده ایم که افراد عصبانی کنترل خود را از دست داده و به دیگران صدمه می زنند.

اما عصبانیت همیشه گناه نیست.

ما باید خوشحال باشیم که خدا از گناه و بی عدالتی عصبانی می شود.

ما خدای بی تفاوتی را نمی خواهیم که خشم خود را به خاک بسپارد و رنج ما را نادیده بگیرد.

غضب خدا به این معناست که او اهمیت می دهد.

یک خدای خوب و مقدس نمی تواند بدی را نادیده بگیرد یا از آن بگذرد.

انجیل مژده ای است زیرا خدا خشم عادلانه خود را به جای ما بر پسرش ریخت.

اگر عیسی خداوند و نجات دهنده شماست، می توانید هنگام عصبانیت به نام او به پدر دعا کنید.

این سومین پیشنهاد من است.

3. خشم خود را در درون فرو نبرید، آن را در دعا به خدا بریزید.

همانطور که داوود در مزمور 62:8 به ما یادآوری می کند صادقانه به او بگویید چه احساسی دارید.

8 ای مردم همیشه به او اعتماد کنید.

دلهای خود را نزد او بریزید، زیرا خدا پناهگاه ماست.»

گاهی اوقات فکر می کنیم که نمازهایمان باید مؤدبانه و ویرایش شود تا هر چیز زشتی از بین برود.

اما خدا نمی خواهد که شما دعاهایتان را ویرایش کنید و احساسات تاریک خود را از بین ببرید.

خدا دلت را می خواهد.

او می داند که شر و درد تنها در صورتی افزایش می یابد که آنها را در درون خود دفن کنید.

حتی اگر از خدا عصبانی هستی در دعا به او بگو.

مشکلی نیست!

گفتگو را شروع کنید و ببینید که او چگونه پاسخ می دهد.

دعا قلب و ذهن شما را باز می کند تا روح القدس بتواند کار خود را در شما انجام دهد.

به آنچه پولس در فیلیپیان 4: 6-7 نوشت گوش دهید.

6 «در مورد هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر موقعیتی،

با دعا و استغاثه، با شکرگزاری، خواسته های خود را به درگاه خداوند عرضه کنید.

۷ و سلامتی خدا که فراتر از هر عقلی است،
قلب و ذهن شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد.»

پیشنهاد چهارم:

4. به جای اینکه علیه دشمنانمان دعا کنیم، برای آنها دعا می کنیم.

این سخت ترین قسمت است.

منی دانم چه مصیبت هایی را در زندگی خود تجربه کرده اید.

من نمیدانم مردم با شما چه بدی کرده اند.

اما می دانم که زخم های عمیق دوست داشتن دشمنان و دعا کردن برای آنها را بسیار دشوار می کند.

با این حال، مسیحیان نمی توانند دعاهای ما را به روشی پایان دهند که مزمور 137 پایان می یابد.

این نویسندگان علیه دشمنان خود دعا کردند.

عیسی ما را فرا می خواند تا در عوض برای دشمنان خود دعا کنیم.

متی 43:5-44:

43 «شنیده اید که گفته شد:

شما باید همسایه خود را دوست داشته باشید و از دشمن خود متنفر باشید.

44 اما من به شما می گویم: «دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که شما را آزار می دهند دعا کنید.»

سخنان عیسی را اشتباه متوجه نشوید.

خداوند شر را نادیده نمی گیرد و از آن چشم پوشی نمی کند.

دشمنان ما به خاطر گناهانشان مستحق قضاوت و مجازات هستند.

هر گناهی که تا به حال مرتکب شده است باید مجازات شود.

عذاب خدا یا نصیب تو خواهد شد یا بر عیسی.

چه تعداد از گناهان شما توسط عیسی بر روی صلیب بخشیده شد؟

می توانید آنها را بشمارید؟

خشم ما نسبت به گناهان دیگران می تواند چشمان ما را تیره و تار کند و دیدن گناه خودمان را سخت کند.

دوستان من زمین در پای صلیب هموار است.

نجاتی که خدا به ما می دهد در اختیار دشمنان ما نیز هست.

بنابراین ما دعا می کنیم که او دشمنان ما را به توبه برساند.

امیدواریم خداوند دل آنها را نرم کند تا توبه کنند.

اگر چنین نکنند، او آنها را با تمام خشم عادلانه خود مجازات خواهد کرد.

وقتی برای دشمنانمان دعا می کنیم، آنها را به خدا می سپاریم.

ما از روی نیمکت قاضی پیاده می شویم و به خدا توکل می کنیم که نجات دهد یا مجازات کند.

دعا کردن برای افرادی که به شما آسیب رسانده اند بسیار دشوار است.

ما باید به خدا توکل کنیم تا آنچه را که خدا می خواهد انجام دهیم.

به همین دلیل است که من این پیشنهاد پنجم را به اشتراک می گذارم:

5. برای عبادت بیاوید و مرتباً در یک گروه زندگی شرکت کنید.

وقتی زخمی یا عصبانی هستیم باید با خلق خدا جمع شویم.

گاهی غم و اندوه ما را وادار به کناره گیری از اجتماع می کند، اما باید برعکس عمل کنیم.

در مزمور 137:4، نویسندگان پرسیدند:

4 «چگونه می‌توانیم سرودهای خداوند را بخوانیم در حالی که در سرزمین بیگانه هستیم؟»

اما آنها این سوال را در یک آهنگ پرسیدند!

آنها تمایلی به خواندن نداشتند، اما سپس آن احساسات را در یک آهنگ ریختند.

رومیان 12:15 می‌گویند:

15 «با شادی کنندگان شاد باشید، با گریه کنندگان بگریید.»

مشکلات و دردهای خود را یکشنبه شب‌ها و به گروه زندگی خود بیاورید.

وقتی توجه خود را بر خدا و کلام او متمرکز می‌کنیم، او را به قلب خود دعوت می‌کنیم.

ما همچنین از یکدیگر تشویق می‌شویم که به تنهایی نمی‌توانیم به آن دست پیدا کنیم.

هر هفته در این اتاق افرادی پر از شادی و قدردانی و دیگران پر از درد و ترس هستند.

ما به هم نیاز داریم

عبرانیان 10:24-25 به ما می‌گویند:

24 «و ببیندیشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به سوی محبت و اعمال نیک تشویق کنیم.

25 از ملاقات با هم دست نکشید، همانطور که برخی عادت دارند انجام دهند،

بلکه همدیگر را تشویق کنید - و هر چه می‌بینید روز نزدیک است.»

دوستان عزیز از توجه شما به کلام خدا در یک موضوع دشوار سپاسگزارم.

در مورد خشم، و پاسخ خدا به بی‌عدالتی، چیزهای بیشتری می‌توان گفت.

در حال حاضر، بیایید با استفاده از کلماتی که عیسی به ما آموخت، با هم به پدر آسمانی خود دعا کنیم.

بیایید با هم به آرامی دعا کنیم و به همه کلمات فکر کنیم.

شما می‌توانید به زبان خودتان یا با من به زبان انگلیسی دعا کنید.

«ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.

پادشاهی تو بیاید، اراده تو انجام شود،

در زمین همانطور که در آسمان است.

نان امروز ما را بدهید،

و بدهی‌های ما را ببخش،

همانطور که ما نیز بدهکاران خود را بخشیده ایم.

و ما را به وسوسه نکش،

اما ما را از شر نجات ده

زیرا پادشاهی و قدرت از آن توست،

و جلال، تا ابدالابد، آمین.»